



بیمرز نشریه سیاسی - اجتماعی - فرهنگی است که به صورت فصلنامه منتشر میگردد

شماره ۱ پنجم می ۲۰۲۰

نشریه سازمان پناهندگان ایرانی - بیمرز

سخن اول : جهان ؛ سرمایه داری و کرونا

وریا روشنفکر



اسلام و قرآن و محمد : پیامبری که باید بشناسیم

نشمیل عبدلی



صفحه ۵

کرونا و جمهوری اسلامی ایران

ریبین شمعی



صفحه ۱۵

زنان در آبان ۹۸

آزاده بارزاده آقاجاری



صفحه ۱۶



سخن اول :. وریا روشنفکر
جهان ؛ سرمایه داری و کرونا

آمار تایید شده مبتلایان به ویروس کرونا در سراسر جهان تا نیمروز یکشنبه ۴ خرداد (۲۴ ماه مه) به بیش از ۵ میلیون و ۴۳۵ هزار نفر و شمار قربانیان کووید ۱۹ به بیش از ۳۴۴ هزار نفر رسید

ایالات متحده آمریکا با بیش از ۱ میلیون و ۶۶۷ هزار مبتلا و بیش از ۹۸ هزار قربانی در صدر جدول رده بندی کشورهایی قرار دارد که در سراسر جهان با شیوع این ویروس دست و پنجه نرم می کنند.

برزیل نیز با پشت سر گذاشتن کشورهای اروپایی که زمانی کانون این بحران بودند، اکنون با بیش از **ادامه صفحه بعد**



فرانکفورت چهل تن از کارکنان کلیساها به تازگی پس از

برگزاری آیین‌های مذهبی به ویروس کرونا آلوده و شماری از آنها در بیمارستان بستری شده اند. شمار مبتلایان به ویروس کرونا در آلمان به بیش از ۱۸۰ هزار نفر و شمار قربانیان آن به بیش از ۸۳۰۰ نفر رسیده است.

در فرانسه نیز با وجود مقاومت دولت، سرانجام از روز یکشنبه کلیساها، مساجد و کنیسه‌ها فعالیت خود را از سر گرفتند. بازگشایی این اماکن تحت فشار نهادهای مذهبی و با حکم دادگاه فرانسه ممکن شد که دوشنبه گذشته اعلام کرد ظرف هشت روز کلیساها، مساجد و کنیسه‌ها باید آغاز به کار کنند زیرا عبادت یکی از آزادی‌های بنیادین انسان‌ها محسوب می‌شود که می‌توان آن را ضمن رعایت مقررات بهداشت عمومی انجام داد. شمار مبتلایان به ویروس کرونا در فرانسه به بیش از ۱۸۲ هزار نفر و شمار قربانیان آن به بیش از ۲۸۳۰۰ نفر رسیده است.

در شهر بیت‌المقدس نیز «کلیسای مقبره مقدس» مشهور به «کلیسای رستاخیز» که یکی از مهمترین اماکن

۲۱۸ نفر رسیده است. بنا بر اعلام وزارت صحت‌عامه تنها در ۲۴ ساعت گذشته ۵۸۴ نفر دیگر به جمع بیماران کووید ۱۹ اضافه شده‌اند. این وزارتخانه هشدار داده است که شمار مبتلایان به کووید ۱۹ در این کشور همچنان سیر صعودی دارد و در سه روز گذشته بطور پیوسته شمار مبتلایان جدید بالای ۵۰۰ نفر بوده است. بیشترین آمار مبتلایان متعلق به ولایت کابل است؛ در ۲۴ ساعت گذشته آزمایش کرونا ۳۲۴ نفر دیگر در این ولایت مثبت بوده است. پس از آن نیز ولایت هرات با ثبت آمار ۱۰۰ بیمار جدید طی شبانه روز گذشته قرار دارد.

افزایش شمار مبتلایان به کرونا با از سرگیری فعالیت در مراکز دینی

در حالی که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از قصد خود برای بازگشایی مراکز مذهبی خبر داده است، برخی کشورهای اروپایی با اشاره به تجربه‌های اخیر خود هشدار داده‌اند که بازگشایی اماکن مذهبی باعث افزایش شمار مبتلایان به کرونا خواهد شد. آلمان یکی از این کشورهاست که می‌گوید تنها در شهر

۳۴۹ هزار مبتلا و بیش از ۲۲ هزار قربانی در جایگاه دوم جدول است. تنها در ۲۴ ساعت گذشته ۱۵۲ نفر در این کشور به دلیل ابتلا به ویروس کرونا جان باخته‌اند.

کشورهای قدرتمند قاره اروپا یعنی روسیه، اسپانیا، بریتانیا، ایتالیا، فرانسه و آلمان به ترتیب جایگاه‌های سوم تا هشتم این جدول را به خود اختصاص داده‌اند و اگرچه تحت فشار مردم مجبور به کاهش مقررات قرنطینه شدند، اما هر روز نیز شاهد ابتلا و مرگ شمار قابل توجهی از شهروندانشان هستند.

بنا بر اعلام وزارت بهداشت آمار تایید شده مبتلایان به کرونا در ایران تا نیمروز یکشنبه به ۱۳۵ هزار و ۷۰۱ نفر و شمار قربانیان به ۷۴۱۷ نفر رسیده است. تنها در ۲۴ ساعت گذشته ۲۱۸۰ نفر دیگر به کووید ۱۹ مبتلا شده و ۵۸ نفر نیز جان باخته‌اند. بنا بر اعلام کیانوش جهانبور، سخنگوی وزارت بهداشت در حال حاضر وضعیت ۲ هزار و ۶۱۵ نفر از بیماران مبتلا به کرونا بحرانی است و تحت مراقبت‌های ویژه قرار دارند.

آمار تایید شده مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان به دست کم ۱۰ هزار و ۵۸۲ نفر و شمار قربانیان به

مذهبی مسیحیان جهان است، پس از دو ماه تعطیلی بازگشایی شد.

همزمان، هزاران فلسطینی بامداد یکشنبه با برگزاری تظاهرات در کرانه باختری رود اردن خواستار لغو محدودیت‌های اجتماعی و بازگشایی مساجد به مناسبت عید فطر شدند.

رویدکردنظام سرمایه داری به شیوع کرونا

شاید مهمترین سوال در این زمینه این باشد که:

. که دولت‌های پیشرفته‌ی سرمایه داری چه مقدار از ذخایری خود را در جهت سلامت مردم هزینه کردند، و در این بحران آیا نجات سیستم‌های مالیشان در اولویت بود یا نجات جان انسانها! کشورهای G8، ۲ تریلیون دلار و اتحادیه‌ی اروپا ۷۵۰ میلیارد دلار برای جلوگیری از ورشکست شدن شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی هزینه کردند؛ البته از این میلیونها دلارها که از جیب کارگران و مردم فرودست کشورهای اروپایی به بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی تزریق شد، مقدار بسیار ناچیزی هم به کارگران و اقشار فرودست برگشت، تا در این دوره‌ی کرونا قدرت خرید

مایحتاج روزانه‌شان را حفظ کنند، زیرا ماشین مهیب سرمایه در هر حال به نیروی کار محتاج است. دلیل اینکه چرا محل کسب و کار، بنگاه‌ها و محل استثمار و سود دهی را بستند، به خاطر ترسی بود که از گسترش بیشتر ویروس کرونا و شیوع بیشتر بیماری داشتند. ترس از عواقب سیاسی و اجتماعی چنین فاجعه‌ای سبب شد که چنین سیاستی اتخاذ نمایند. تعطیل شدن کار و تولید، عواقب وخیمی به طبقه کارگر تحمیل می‌کند، کارگرانی که دستمزدی دریافت نمی‌کنند، از بیمه‌ی بیکاری بی‌بهره‌اند و به خدمات بهداشتی و درمانی دسترسی ندارند. طبیعی است که سرمایه داری هم به دلیل توقف تولید و ارزش افزایی در بحران عمیق فرو میرود. هر روزه اخباری منتشر می‌گردد که کادر پزشکی به دلیل در دسترس نبودن وسایل پیشگیری از آلوده شدن به ویروس و ابتلا به بیماری، وسایل ابتدایی چون دستکش، ماسک و غیره جانشان را از دست می‌دهند. اکنون شاهد آن هستیم که بعد از گذشت چهار ماه از گسترش این اپیدمی در کشوری مانند انگلستان با بحران کمبود ماسک و دستکش روبرو هستند. دولت‌ها حتی در کشورهای پیشرفته

سرمایه داری تعداد دستگاه‌های تنفس مصنوعی لازم را برای استفاده بیماران بستری شده در بخش‌های ICU تامین نکرده‌اند. در سوئد که در صد بالایی از جانباختگان کرونا سالمندانی بوده‌اند که در خانه‌های سالمندان بستری بوده‌اند، اخیراً تلویزیون BBC گزارشی در این مورد پخش کرده است، که نشان می‌دهد که در کشور دولت رفاه بورژوازی، در سوئد، کشوری که اکنون به وسیله‌ی ائتلافی از سه حزب که در راس آنها سوسیال دموکرات‌ها اکثریت را دارند، اداره می‌شود، ادعای در اولویت قرار گرفتن سلامت مردم تا چه اندازه مسخره است. در سوئد تا کنون بیش از ۳۹۰۰ نفر به دلیل ابتلا به این بیماری جان باخته‌اند که بیشتر آنها بالاتر از ۷۰ سال سن داشتند. مسئولین، دسترسی سالخوردگان را به خدمات درمانی محدود کرده بودند. آنها از خانه‌های سالمندان خواسته بودند که افراد دارای علائم ابتلا به این بیماری را به بیمارستان نفرستند. هزاران نفر جانشان را از دست دادند.

علیرغم کم‌کاری آشکار حکومت سوئد، همه پرس‌ها نشان می‌دهد که در صد رای دهندگان به حزب سوسیال دموکرات ۴در صد بالا رفته

است! بسیاری از کشورهای پیشرفته ی صنعتی از گزارش آمار جانباختگانی که در بیمارستان ها فوت نکرده اند، خود داری کرده‌اند؛ تا به این ترتیب ابعاد فاجعه را پنهان دارند. به نمونه دیگری برای غیر واقعی بودن در اولویت قرار گرفتن سلامت و بهداشت در دوره کورونا توجه کنید، از زمان شروع انتشار ویروس کورونا تا کنون بیش از ۴۴۰۰۰ عمل جراحی که می بایست تا کنون انجام میشد در سوئد به تاخیر افتاده است، برای اینکه نمی خواستند هزینه ی بیشتری برای سلامت در نظر بگیرند. این وضعیت کم و بیش در سایر کشورهای اروپایی هم حاکم است. در روزهای اخیر در حالی که کرارا در مورد ضرورت رعایت نکات بهداشتی برای جلوگیری از گسترش دوباره ی شیوع ویروس کرونا از طریق رسانه ها هشدار می دهند، دغدغه اصلی دولت ها بازگشایی کسب و کارها یا به اصطلاح بی پرده تر، رونق بازار است.

دولت ترامپ از اعتراضات راست گرایان بر ضد تعطیلی کسب و کارها حمایت می کند. رییس جمهور برزیل بدون رعایت هرگونه فاصله گذاری اجتماعی در میان معترضان ریودوژانیرو حضور

پیدا کرد تا آنها را به بازگشایی کسب و کار ترغیب کند. دیوید هاروی در مطلبی تحت عنوان ضرورت کنش جمعی برای غلبه بر تنگنای جمعی ناشی از کرونا می نویسد: طبقه ی کارگر معاصر در ایالات متحده - که عمدتاً از امریکایی های آفریقایی، لاتین تبارها و زنان مزدبگیر تشکیل شده است - با یک انتخاب مضمئن کننده روبروست: انتخاب بین احتمال آلوده شدن به ویروس در جریان مراقبت از مردم و بازنگاه داشتن برخی از کسب و کارهای کلیدی مانند فروشگاه های مواد خوراکی و ...، یا بیکاری بدون هیچ مزایایی حتی خدمات درمانی بسنده نموده اند.

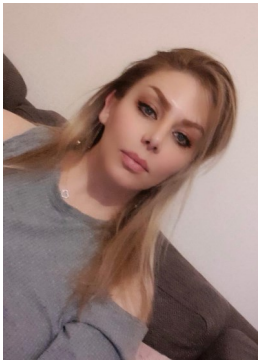
دیگر نسخه های واتیکان و قم و بیت المقدس و نمایندگان خدا بر روی زمین جوابگو نیست؛ خارج از چند نمونه مزخرف گویی در باب تجویز ادارشتر و گاو ... انگار اینبار نمایندگان تامالاً اختیار خدا بر روی زمین خفه خوان گرفته اند.

بحران ناشی از بیماری کووید - ۱۹ نشان داد که سرمایه داری در دفاع از سلامت و جان مردم ناتوان بوده است. اما سیستم کثیف حاکم بر نظام های سرمایه داری در این شرایط نیز منفعت طبقه خود را بر جان انسانها

اولویت بخشیدند. واگر کمکی به سایر کشورها نمودند نه در راستای وظیفه انسانی که قطعاً در جهت تامین منافع خود این کار را انجام دادند.

در این دوره، اگر شاهد کمک پزشکی از کشوری به کشور دیگری بوده ایم، یا اهداف سیاسی را تعقیب کرده اند، یا این ابزار را در جهت تصاحب بازار برای کالاهایشان بکار برده اند و یا اقدامشان مقدماتی برای سرمایه گذاری و امکان بدست آوردن نیروی کار ارزان بوده است. برای مثال در چنین وضعیتی ترامپ تصمیم گرفت که سازمان بهداشت جهانی را از طریق خودداری کردن از پرداخت سهمی که تا کنون آمریکا پرداخت کرده است، فلج نماید. در مورد عملکرد سازمان بهداشت جهانی ترامپ ادعا می کند که گویا به کشور چین در لاپوشانی مسئله ویروس کورونا یاری داده است، بهانه ای است تا آمریکا از پرداخت سهم سالانه اش به این سازمان خودداری کند، و این هم یکی از نشانه های سیاست ناسیونالیستی افراطی ترامپ، آمریکا برای آمریکا می باشد و کاملاً در تضاد با مسئولیت پذیری بین المللی و انسانی می باشد. این نشان میدهد که ویروس کورونا به تقویت ناسیونالیسم ارتجاعی کمک کرده

است.



اسلام و قرآن و محمد: پیامبری

که باید بشناسیم

نشمیل عبدلی



اما فاجعه انجاست که این سازمانها هم در واقع بخشی از سیستم مهیب سرمایه هستند؛ مثلاً سازمان بهداشت که نمایندگان این سازمان بعد از دیداری از ایران، به تعریف و تمجید از عملکرد جمهوری اسلامی در مقابله با انتشار ویروس کرونا و چگونگی معالجه ی بیماران کووید - ۱۹ پرداخت، در حالیکه گزارش های زیادی از بیمارستان های ایران خلاف ارزیابی آنها را نشان میداد و پنهان کاری، دروغ و جعل آمار جانباختگان کووید - ۱۹ کاملاً عیان بود. در هر حال هیچ نشانه ای از عوض شدن اولویت و "انسانی تر" شدن سیاست بورژوازی در رابطه با هم بستگی و احساس مسئولیت در قبال زندگی مردم در کشورهای دیگر ملاحظه نمیشود، بلکه همه داده ها نشان می دهند که در دوره بحران کرونا هم اولویت قدرتهای سرمایه داری دفاع از سود سرمایه در برابر سلامت و جان مردم بوده است.

ناگاهی عمومی مردم درباره ی زمینه های پیدایش اسلام و تعالیم اخلاقی و اجتماعی آن و بخصوص کوشش های برخی روشنفکران

مسلمان و تعبیرهای دلخواه و تفسیرهای فریبنده از احکام اسلام که برابری اسلامی را شعار خود قرارداده اند، همه لازمه بررسی دقیق تاریخ اسلام را ضروری می سازد.

بررسی و مطالعه تاریخ اسلام امروزه وسیله مناسبی در مبارزه مردم برای دور ماندن از اشتباه و سلاح قدرتمندی برای دستیابی آنان به آگاهی بیشتر و آینده ای روشن تر می باشد.

در سال ۵۷۰ میلادی کودکی از طایفه قریش در مکه دیده به جهان گشود که نام او را محمد نامیدند. نام مادر او آمنه و پدرش عبدالله بود که پس از بدنیا آمدن، پدرش و بعد از پنج سالگی مادرش

را از دست داد و پس از اندکی پدر بزرگش را، و یکی از عموهای او به اسم ابوطالب سرپرستی او را بعهده گرفت.

قبیله قریش یکی از معتبرترین و بانفوذترین قبایل عربستان بود و مردم آن به خاطر مسافرت های بازرگانی و رابطه با اهالی شام و عراق از سایر اعراب آگاه تر و آزموده تر بودند. محمد از همان

دوران جوانی همراه عمویش (ابوطالب) برای تجارت و بازرگانی به بسیاری از شهرها و قبایل عربستان رفت و آمد داشتند و در این سفرها، او با افکار و اندیشه های اجتماعی و مذهبی روزگارش

اشنا گشت. آگاهی و تبصر محمد در امور بازرگانی درس بیست سالگی به اندازه ای بود که خدیجه (بیوه ثروتمند و یکی از بزرگترین بازرگانان مکه) سرپرستی امور مالی تجارتی

خود را به او واگذار کرد، سرانجام نیز بعد از مدتی، محمد در سن بیست و چهار سالگی با خدیجه که چهار سال داشت ازدواج کرد. هزاران کتاب درباره ی زندگی و حوادث بیست و سه سال ظهور و افول و همه کردار و گفتار او نوشته شده ولی هنوز کتابی درباره او نوشته نشده که تصویر او را عاری از گردوغبار، اغراض و پندارها و تعصبات نشان دهد، اینکه پیامبر اسلام در اذهان عموم مردم نیکوکارترین و کاملترین خصوصیت های اخلاقی رو دارد و بدون کوچکترین لکه سیاه در اعمال و رفتار و اخلاقش به نظر حیف نیست که این ذهنیت را خراب کرد از آنجا که متاسفانه پیامبر یک شخصیت مقدس در اذهان عموم است همواره مسلمانان پیوسته کوشیده اند تصویر او را یک موجود خیالی و مافوق بشری ترسیم و تصور کنند. محمد تا سن چهار سالگی اثر مهمی در تاریخ نیست. در سن چهار سالگی بود که نخستین سوره \square علق بر محمد نازل شد و بعثت اعلام کرد و مدتی وحی قطع میشه و این دعوت مدتی مخفیانه و میان

عده ای کم صورت می گرفته و بعد از آن سوره های دیگری نازل گردیده و از همان ابتدای نزول هفت تا ده سوره اول مخالفت مردم و به سخره گرفتن محمد اشکار گردیده است. \square چگونگی شکل گرفتن اسلام در مکه تنوع ادیان و آزادی ادیان بود کسی به دین و خدای دیگری کاری نداشت، اسلام هم در چنین محیطی شکل گرفت و مشکلی نداشت. جامعه عربستان بهنگام ظهور اسلام دارای اوضاع اقتصادی و اجتماعی پیچیده ای بود: از یکطرف، وجود جماعت های طایفه ای و از طرف دیگر، وجود مناسبات برده داری، بازرگانی و روابط پولی و کالایی. ظهور اسلام در جامعه عربستان با این تحولات اجتماعی و آغاز یک نهضت سیاسی و مذهبی، روابط اساسی داشت از عقاید و باورهای مذهبی مردم مکه قبل از اسلام اطلاعات زیادی در دست نیست با این حال می دانیم که پیش از حضرت محمد، پیغمبرانی در نقاط مختلف عربستان به دعوت و نهی از پرستش بت ها برخاسته بودند که ذکر چند تن از آنها در

قران آمده است مانند هود در قوم عاد، صالح در ثمود. مکی ها و بعضی دیگر از قبایل شبه جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام اللہ را به عنوان خالق بزرگ و یکتایی که به هنگام خطر باید به او پناه برد، می شناخته اند، این امر از آیات قران به خوبی استنباط می شود، همچنین نام پدر پیغمبر عبدالله نیز خود دلیل دیگری بر آشنایی مکی ها با مفهوم اللہ است بنابراین با اطمینان می توان گفت که پیش از ظهور محمد، انعکاسات مختلف معنوی، دینی و مادی و جریانات گوناگون فرهنگی که از مراکز رومی و شامی (ارامی) ایرانی و حبشی که از راههای غسانی و یمنی می گذشت در ناحیه حجاز طنین انداز بوده و افکار و عقاید مردم این سرزمین را تحت تأثیر خود قرار داده بودند. \square پایه های حکومت اسلامی بر چه چیزی استوار بود؟ محمد تنها کسی است که می گه خدا منو فرستاده و جبرئیل هر شب با من حرف می زند و شما موظفید به من گوش کنید و کسی که به

من گوش نکنند در ذلالت و ما می توانیم باهاش جنگ بکنیم و او را از بین ببریم. شاید هوشمندترین آدمها او بوده در تاریخ توانسته از همه قضایای ماوراءالطبیعی در پیشبرد اهداف و مقاصدش استفاده بکند یک ژنرال لایق در جنگ ها ، بسیار بسیار خوب رهبری میکرد. کسی که با تعداد سیصد نفر می توانست نهصد نفر را شکست بده و شکست را مبدل به پیروزی می کرد بدین وجه که می گفت کشته گان ما کشته گان بهشتی هستند در واقع یک نوع مثبت اندیشی ست و روحیه ای که دمیده بود در دل این اعراب که هر مردی می تونست با صد نفر مقابله بکند. خونریزی یکی از پایه های حکومت اسلامی است ، فرضیه اسلام براین است که ما باید اونقدر جهاد بکنیم که جهان مسلمان شود ، مسلمانان می گویند جایی رو که می گیریم داخل اسلام و هر جا رو که نگرفتیم دارالحرب است. مسلمانان نمی توانند با صلح با کسی زندگی بکنند تا ایات فتال و نفرت در قران هست نمی توانند با مسالمت زندگی بکنند مگر اینکه این ایات روبرون بکشند مبتنی بر ایات نیک و مبتنی بر دستورات اخلاق خوب زندگی بکنند.

□ دلیل عدم برخورد مشرکان و چگونگی هجرت پیامبر ظاهراً قریش حساسیتی بر بت پرستی و یا تغییراتین برخی افراد خود نداشته اند مشکل آنان این بود که کسی به بتان و مهمتر از همه به اباء واجدادشان توهین کند و این دقیقاً همان رفتار محمد بود که به خدایان و اباء واجدادشان توهین می کرد. قریش نزد ابو طالب رفتند و خواستند که محمد را راضی کنند که اینقدر توهین و ناسزا نگوید اما محمد دست از توهین بر نمی داشت ، روز دیگر برای بار دوم بزرگان قریش از ابوطالب خواهش کردند که جلو توهین محمد را بگیرد □ از تو خواستیم که برادرزاده ات را از ما بازداري و بازداشتی به خدا نمی توانیم دید که پدران ما ناسزا گوید عقول ما را سبک شمارد و از خدایان ما عیب گیرد و برای بار سوم باز از ابوطالب درخواست کردند که ای ابوطالب تو بزرگ و سالار مایی درحق ما انصاف کن و برادرزاده ات را از ناسزا گویی خدایان ما بازدار مانیز او را با خدایش واگذاریم ، اگر محمد ناسزا نمی گفت و رفتار او منصفانه و مودبانه بود می تونست در مکه به تبلیغ اسلام ادامه بده و ابوطالب نیز

متوجه شده بود که رفتار پیامبر بی انصافیست و سران قریش از او انصاف می خواهند.

از آن به بعد زندگی بر مسلمانان سخت شد و حتی برخی از مسلمانان به حبشه فرار کردند اما دشنام گویی پیامبر همچنان ادامه داشت و هر یک از قبایل قریش بر ضد مسلمانان خویش برخاستند و به شکنجه آنان پرداختند. امروزه در اسلام مجازات سب الله ، سب نبی، سب بزرگان و امامان شیعه ، بی درنگ کشتن است .

بعد از این وقایع پیامبر حاضر شد دست از دشنام گویی بردارد و به واسطه فشار قریش او ایات غرانیق را آورد.

ایات غرانیق این بود که بر پیامبر ایاتی نازل شد که بت هارا نام برده و تکریم و احترام کرده ، پیامبر ایات رادر حضور مشرکان خواند و به سجده رفت مسلمانان و مشرکان هم به سجده رفتند جز چند نفر از کافران حدیث داریم که جن و انس هم به سجده رفتند همه شاد شدند. مسلمان و کافر همدیگر را بوسیدند و همه چیز به خوبی و خوشی تمام شد. اونهایی که به حبشه فرار کردند بهشون خبر دادند که برگردند.

اما هنوز اونها از حبشه به مکه نرسیده بودند که محمد پشیمون شد و گفت این آیات را شیطان به من نازل کرده و دوباره دشنام و دعوا را شروع کرد و قریش به محمد چنین گفتند: توجیزی بر قومت آورده ای که کسی در میان عرب برای قومش نیاورده تو پدران ما را ناروا شمردی خدایان ما را ناسزا گفتی و دانایان ما را سفیه خواندی و جماعت ما را متفرق کردی و چیزی زشت تر از آن در میان ما نبود بعد از آن شعب ابی طالب در محاصره درآمد و این رفتار پیامبر پیش از هجرت بود پیش از اینکه قدرتی در دست داشته باشد، پس از هجرت، پیامبر ناسزا گو، شمشیر هم بدست گرفت و هیچ جاده ای از راهزنی های مسلمانان در امان نبود هیچ جایی از خشونت و خنجر بی شرمانه فرستادگان محمد در امان نبود. ترور، غارت اموال، قتل، کشتن، راهزنی کردار محمد و پیروانش بود. وقتی محمد مورد نفی قوم خود واقع شد محمد وقتی که در مکه بود آیات قرآنی هم گواهی به لحاظ گفتار و کردار و رفتار مذهبی بوده یعنی حالت یک نوع روحانیت را دارا بوده

سخنانش شاعرانه است خالی از خشونت و تحمیل در آن نیست به جهت اینکه قدرتی در دستش نبوده، نمونه کوچکش مثلا: خمینی رو میتوانیم تصور کنیم وقتی که در فرانسه بود حرکات و وجنات این اقا بایک حالت انتصار و متظاهر به ضعف بود برای اینکه ترحم رو به سمت خودش بکشد که من یک سید منکسر شکسته ای هستم می خواهم برای آزادی کار بکنم وقتی که سخن از آزادی میکرد می گفت همه باهم ازادند، بله همه باهم ازادند، زنها برابرند، کمونیست ها می توانند حرفشان را بزنند در حکومت اسلامی احزاب ازاد است، هیچ خشونتی در کار نبود می گفت اگر من به ایران بروم یک طلبه پیری هستم می روم در قم کار طلبگی مو انجام می دهم. اما به محض اینکه به ایران رسید و اون استقبال رو دید عوض می شه وقتی قدرت رو بدست گرفت، اولین تهدیدش این بود که می زنم در دهان این دولت تا اونجایی که گفت نابود کنید دشمنان اسلام رو، و با یک سخن جان حدود دوازده هزار نفر و در جایی می گن که تا صد هزار نفر به فرمان همین اقا کشته شدنند دقیقا داستان همانگونه است در واقع اگر ما انصاف داشته باشیم که وبه تاریخ نگاه کنیم در می یابیم که زندگی پیغمبر اسلام عین همین است یعنی وقتی مورد نفی قوم خود واقع شد و قریش او را نخواستند و خواستند او را از شهر بیرون کنند با ابوبکر گریختند نصفه شب و آمده اند مدینه، به محض اینکه پایش به مدینه رسیده درست همون حالت خمینی که به تهران رسیده، در مدینه دو قبیله ئوس و خزرج دو قبیله عرب بودند و پنجاه و پنج درصد جمعیت هم یهودی بودند. یهودیان کسب و کار می دانستند و ثروت در دستشان بود و اعراب با آنها کار می کردند گاهی هم مناقشاتی بین آنان بود. روی هم رفته مدینه شهری آرام بود. ما دو واقعه مهم را داریم که موقع حج به طور پنهانی دوازده نفر از بزرگان ئوس و خزرج آمدند و قرارداد بستند و گفتند شما را برای مدیریت کارها و ریاست قوم خود می خواهیم و بار دوم هفتاد و سه نفر، جالب اینجاست وقتی عباس عموی پیامبر آمده و به اینها گفته ما این پسر را دوست داریم و او را گرامی می داریم شما بایستی با او

بیعت کنید که همانگونه که مگس وپشه را از خود دور می کنید مگس راز او دور کنید و همانگونه که جان خود را محافظت می کنید جان او را محافظت کنید. نخستین کسی که با او دست داده اسمش وراء بوده که ادم کش حرفه ای بود و شمشیر زنی هم بلد بود یعنی نخستین بیعت با خشونت و ابراز خشونت شده. بعد از آن هیچ کس نمی توانست سرش را از مکه بیرون بیاورد چون مرتب سوار می فرستاد سپاه و کاروانها را می شکستند و مال ها رو می بردند و از آنجا زندگی سیاسی محمد آغاز شد در واقع در اونجا به طورکل موضوع دین و مذهب و اینها نیست و همه این آیاتی که آمده در واقع حکم گذاری و قانون مند کردن در واقع به قول مارکسیست که می گه هدف وسیله رو توجیه می کنه ایشان در اونجا برای به هدف رسیدن از هر وسیله استفاده می کرده، برای گرفتن مکه و مسلمان کردن و شکست قریش حتی ترورهای سیاسی و قتل های زنجیره ای داشت عیناً همین اقا یون که در ایران مشاهده می کنیم یعنی در اونجا کعب ابن اشرف، سلام ابن ابو، اسماء بنت مروان همه قربانیان قتل های سیاسی نصف شب محمد هستند.

زندگی رسول در مدینه یکی از جنگ های معروف بدین ترتیب شهر مدینه پایگاه و پناهگاه مناسبی برای تحکیم قدرت مذهبی و سیاسی محمد به شمار می رفت، حضرت محمد برای کسب پایگاه سیاسی و پیشبرد عقاید مذهبی خود ابتدا با علم کردن \square لا اکره فی الدین \square در برخورد مسیحی ها و یهودیها شیوه مسالمت آمیز و مدارا در پیش گرفت و با استفاده از دشمنی های موجود بین مردم مدینه و مکه توانست بیشتر نیروهای اقتصادی و اجتماعی مدینه را علیه اشراف مکه متحد کند. شعار \square انما المومنین اخوه یا اکره فی الدین \square البته مانع اون نبود که پیروان مذاهب دیگر \square یعنی اهل کتاب \square را بجرم نپذیرفتن اسلام، یکجا سر نبرند به طوریکه در بنی قریظه پس از جنگ و تسلیم شدن مردم این قبیله، دستور داد تا نهصد نفر از جوانان و مردان بنی قریظه را سر بریند و اموال و دارایی زنان و کودکان این قبیله را به عنوان بردگی بین مسلمانان تقسیم کردند. در این گونه جنگ ها، اعراب مسلمان حتی از همخوابگی با زنان شوهردار پرهیز نمی کردند و این، البته به دستور قرآن بود.

زندگی رسول در مدینه یکی از جنگ های معروف بدین ترتیب شهر مدینه پایگاه و پناهگاه مناسبی برای تحکیم قدرت مذهبی و سیاسی محمد به شمار می رفت، حضرت محمد برای کسب پایگاه سیاسی و پیشبرد عقاید مذهبی خود ابتدا با علم کردن \square لا اکره فی الدین \square در برخورد مسیحی ها و یهودیها شیوه مسالمت آمیز و مدارا در پیش گرفت و با استفاده از دشمنی های موجود بین مردم مدینه و مکه توانست بیشتر نیروهای اقتصادی و اجتماعی مدینه را علیه اشراف مکه متحد کند. شعار \square انما المومنین اخوه یا اکره فی الدین \square البته مانع اون نبود که پیروان مذاهب دیگر \square یعنی اهل کتاب \square را بجرم نپذیرفتن اسلام، یکجا سر نبرند به طوریکه در بنی قریظه پس از جنگ و تسلیم شدن مردم این قبیله، دستور داد تا نهصد نفر از جوانان و مردان بنی قریظه را سر بریند و اموال و دارایی زنان و کودکان این قبیله را به عنوان بردگی بین مسلمانان تقسیم کردند. در این گونه جنگ ها، اعراب مسلمان حتی از همخوابگی با زنان شوهردار پرهیز نمی کردند و این، البته به دستور قرآن بود.

زندگی رسول در مدینه یکی از جنگ های معروف بدین ترتیب شهر مدینه پایگاه و پناهگاه مناسبی برای تحکیم قدرت مذهبی و سیاسی محمد به شمار می رفت، حضرت محمد برای کسب پایگاه سیاسی و پیشبرد عقاید مذهبی خود ابتدا با علم کردن \square لا اکره فی الدین \square در برخورد مسیحی ها و یهودیها شیوه مسالمت آمیز و مدارا در پیش گرفت و با استفاده از دشمنی های موجود بین مردم مدینه و مکه توانست بیشتر نیروهای اقتصادی و اجتماعی مدینه را علیه اشراف مکه متحد کند. شعار \square انما المومنین اخوه یا اکره فی الدین \square البته مانع اون نبود که پیروان مذاهب دیگر \square یعنی اهل کتاب \square را بجرم نپذیرفتن اسلام، یکجا سر نبرند به طوریکه در بنی قریظه پس از جنگ و تسلیم شدن مردم این قبیله، دستور داد تا نهصد نفر از جوانان و مردان بنی قریظه را سر بریند و اموال و دارایی زنان و کودکان این قبیله را به عنوان بردگی بین مسلمانان تقسیم کردند. در این گونه جنگ ها، اعراب مسلمان حتی از همخوابگی با زنان شوهردار پرهیز نمی کردند و این، البته به دستور قرآن بود.

حسنه لمن كان يرجوا الله واليوم
الآخره وذکر الله كثيراً پیامبر را الگو
قرار داده و مردم خبر ندارند که
پیامبر در تاریخ اسلام چه رفتارهای
شرم آوری داشته و وقتی به حکومت
می رسه یا به شمشیر دست پیدا
می کنه توجیه رفتار خشن
غیر انسانی می شود همون بخش از
رفتار پیامبر مقدس که مردم ازش بی
خبرند، همین ایت الله خمینی بود
که جنگ بنی قریظه (جنگ با
یهودیان) رو الگوی حکومت اسلامی
اعلام کرد. در یکی از سخنان خمینی
آمده □ انروزی که فهمید قابل
تربیت نیست هفتصد نفرشون را
در یک جا در یهود بنی قریظه
در حضور ثورالله می کشند و گردن
می زنند به امر رسول الله ، اصلاً مهم
نیست جنگ بنی قریظه در کار بوده
یا نبوده مهم اینه که در تاریخ اسلام
به عنوان جنگ پیامبر ثبت شده
همین میتونه روزگاری توجیه یک
جنایتکار اسلامی مثل ایت الله
خمینی باشد و تکلیف مردم مسلمان
هم که معلومه الگو برداری از رفتار
پیامبر اسلام است همین ایت الله
منتظری که ادم خوبه بود در
کشتار ۶۷ در ایران به ادعای خودش
جان چهار هزار زندانی راز مرگ

نجات داد همان موقع امد توی
تلویزیون و استدلال کرد که همه
مخالفان جمهوری اسلامی طبق
احکام شرع اسلامی محکوم به مرگ
هستند و استناد به اینکه حضرت
علی به خاطر کشته شدن یک
مسلمان در یک روز چهار هزار تن از
خوارج را کشت ، همین قصه ها می
شود الگوی مسلمانها، اینها هم در
تاریخ اسلام ثبت شدن وهم الگو
بودنشان در قران ثبت شده همینه
که شکنجه در زندانها و اعدامهای
دسته جمعی و رفتارهای داعشی راز
مسلمانها می بینیم باز مسلمانها می
گویند اینها رفتارهای اسلامی نیست
خبر ندارند که این خشونتها در بطن
اسلام است و اونها با حمایت از اسلام
دارند جنایت و خشونت را هم در
وجود خوشان هم در میان جامعه
حفظ می کنند . اسلام اونوی است
که در تاریخ اسلام آمده است نه اون
عروسک بذك کرده که در اذهان
مردم است. حضرت رسول بسیار ادم
کینه ای بوده و تحمل کوچکترین
مخالفت رانداشتند هرگاه یک
مخالف داشتند نه دشمن اورا از بین
می برد . سیستمشون هم این بوده
که می فرمود خدایا مارا از شر این
اشرف راحت کن بعد کمی ساکت

می شد می گفت کسی نیست مارا
از شر اینا راحت کنه ؟ اول حواله به
خدا می کرد بعد کسی رو مأمور
قتل می کرد. کاملاً سیاست در
کارشون نمایان بوده ، پیامبر واقعاً
پیامبر داعشی بود بعد از هجرت
پیامبر برای ترور مخالفان دسته های
تروریست به این طرف و اونطرف می
فرستاد اول اینکه اون مخالفان
محاربین شمشیر کشیده بر علیه
اسلام نبودند ، ترورها برای حذف
شاعران مخالف پیامبر بود که فقط
شعر می گفتند یا برای حذف
تاجران به منظور سرقت اموالشان
بود و نکته دوم اینکه اسم این
عملیات ترور را □ سریه □ نامیده
بودند. امروزه می گویند سریه جنگ
هایی بوده که پیامبر خودش در اون
جنگ ها حضور نداشته ، نخیر در
اصل جنگی نبوده ترور بوده ، یکی از
سریه های صدر اسلام : یکی از
ترورهای عجیبی که در اسلام
صورت گرفت ترور یک زن شاعر
بوده که به سریه معروف است ،
سریه عمیر بن عدی به سوی اسماء
بنت مروان از بنی امیه بن زید است
وقتی این خبر به رسول خدا رسید
فرمودند کسی نیست کار دختر
مروان رایکسره کند عمیر بن عدی

که نزد آن حضرت حضور داشت سخنش را شنید و به هنگام شب در خانه اش به او حمله کرد و او را کشت می گویند فرزندی هم بر روی شکم او مشغول نوشیدن شیر بوده بچه را کنار میزند و شمشیر را به شکم او فرو می کند. بعد از کشتن اسماء رسول خدا به عمیر می فرماید تو به خدا و رسول او یاری رسانده ای . این قبیل ترورهای ناجوان مردانه از سوی پیامبر بسیار رخ داده ابن شام آورده که ابن اسحاق می گوید رسول خدا فرمود به هر کس از افراد یهود که دست یابید آنها را بکشید یک حکم قتل عام عمومی صادر کرده است.

تعریف اسلام ، مذهب ودین

اسلام در واقع یک دین نیست یک حزب سیاسی ست با یک رویه دینی ، اساساً مذهب در اسلام راه ندارد و تفکر مذهبی در اون ادم کشی و خشونت و تحمیل و اینها نیست و مذهب کارش به کار این دنیا نیست بیشتر کارش با روحانیت و اخلاق است . اسلام یعنی تسلیم نماز بدین شکلی که هست برای شکستن غرور انسان است که کاملاً تسلیم الله شود. کسی که بر مسند

خلافت بنشیند باید کارهای سیاسی بکند نمی شود بر مسند خلافت نشست و کارهای دینی انجام داد. به قول مارکس می گوید □ انسان دین را بوجود می آورد و دین حماقت را جاودانه کرده است. □ فقط دین می تواند جهل هزار سال پیش رو مقدس کند و تا به امروز آن را حفظ کند. بنابراین اسلام یک دین سامی است و برخلاف ادیان آریایی (زرتشتی و بودایی) دینی است که قهر و خشونت و جنگ طلبی لازمه استقرار و گسترش آنست، اینکه بعضی از محققان تاریخ اسلام حضرت محمد را یک پیغمبر مسلح نامیده اند ناظر به همین واقعیت تاریخی است.

□ محمد از چه عناصری استفاده می کرده و کارش چه بوده ؟

از اونجایی که به زندگی رسول مربوط است ایشون از بام تا شام نقشه می کشیدند که دشمنان را چگونه از بین ببرند و کارش سیاست بوده نه دین.

لشکر کشی ، تعبیه سپاه، خندق کندن ، کشتن دشمنان یعنی طوری بوده که هیچ کس جرأت نمی کرد مخالف ایشون باشد بسیار

کینه می گرفت . در جنگ خیبر سه یا چهار نفر اهل یسرب به جنگ نرفتند وقتی ایشون بازگشته پیغام داده به زنهای اینها که با اینها نخوایید حرام است. حتی چند جای قران در سوره بقره آمده که می گوید این دشمنان ما که با ما مخالفند خداوند دل آنها رو سیاه کرده و به راه راست نمی آیند. بنابراین کار پیغمبر سیاست بوده و بسیاری از مورخان می گویند هنگامی که به مدینه مهاجرت فرموده به طور کلی کارمذهب را رها کرده. الله دکوری بوده که محمد ازش استفاده می کرده برای پیشبرد نظرات خودش هیچ حقیقتی در دین نیست. از این صدها و هزارها دینی که آمده و رفته اگر ما فرض کنیم حقیقت نزدیک یکی از آنهاست باید تصور کنیم بقیه دروغگو هستند در حالیکه اساس دین مربوط است به ماوراءالطبیعه و ماوراءالطبیعه بنیادی ندارد بنابراین بایستی ادم ها آزاد باشند و خودشون باشند و این با دین همخوانی ندارد. ابزارهای محمد وحی و معجزه بهشت و جهنم بوده که یک ایدئولوژی نیرومندی است که اعراب را متقاعد کرده ، ما در قرن ۲۱

باید در نظر داشته باشیم چه اموری حقیقی هستند و چه اموری حقیقی نیستند. اساس کار این شخص وحی و معجزه بوده ، در عمق تفکر مردم فرو رفته ولی سخنانش انقدر مستدل نبوده که همه اعراب بپذیرند و هرکس را که نپذیرفته باشمشیر مجبور کرده و عده بهشت و جهنم و دوزخ داده البته همه سخنانش باطل نبوده امر به عدالت و برادری و برابری می کرد و فرمان به مهر و محبت می داد، سیستم اخلاقی بنیاد کرده بود. دست گذاشته بود روی تیره ترین بعد زندگی اعراب به اینها که فقیر بودند گفته مال هر کس را بگیرد مال شماست زن هر کس را بگیرد مال شماست اگر بکشید می رید بهشت و اگر کشته بشید می روید بهشت بنابراین ضرری در این کار نبوده برای عربها.

چگونگی پیدایش قران و مرتد شدن کاتب وحی

در روزگار پیغمبرایشون می فرمودند دیگران هم می نوشتند حدود ده کاتب قران بود اولین کاتب عبدالله ابن سرح مرد شاعر و فصیحی بود که از پیغمبر فصیح تر بود در کار بیان زبان عربی پیغمبر به او گفته بود که جبرئیل اینارو میاره و به من وحی می

شود توهم برایم بنویس وقتی که پیغمبر چیزی میگفت عبدالله تصحیح می کرد ، چند بار این اتفاق افتاد ، سرانجام در مورد ایه ﴿ فتبارک الله احسن الخالقین ﴾ سوره مومن ایه ۱۴ با پیغمبر اختلاف پیدا کرد او معتقد بود که این ایه را من سروده ام و محمد انرا از من دزدیده است . ابن سرح در چند مورد که پیغمبر چیزی میگفت او را تصحیح می کرد، انرا می نوشتند و این ادامه داشت تا روزی که قلم را گذاشت زمین و گفت تو می گویی که اینا رو خدا فرستاده فرمود بله گفت پس چرا من عوض می کنم تو اعتراض نمی کنی پس این داستان درست نیست و دروغ است . پس از این ماجراها ابن سرح از دین اسلام برگشت و پیغمبر خون او را حلال ساخت گفته می شود وقتی فتح مکه شده گفت: شش نفر مرد و چهار نفر زن را که به دیوا کعبه هم او یختند سرشان را برید و برای من بیاورید اولین عبدالله بود که بعداً به واسطه عثمان از مرگ نجات پیدا می کند.

بعد تعلیمات اخلاقی و اجتماعی قران

تبلیغات و تعلیمات دینی محمد بیشتر بر اساس دعوت مردم به اطاعت از خدای یکتا و ترساندن آنها از روز

قیامت و عذاب جهنم است و بسیاری از ایه ها ی قران ترس و تهدید است و عده ای از محققین برآستی می نویسند که مهمترین عامل حیات مذهبی مسلمانان قرن اول هجری ترس بود، ترس از خدای قهار ، ترس از مرگ، ترس از حساب روز قیامت ، ترس از معصیت ، ترس از جهنمی که با وصف ﴿ وقودها الناس والحجاره ﴾ دل شیر هم از هیبت ان اب می شود . تصویر خدا در قران تصویر یک فرمانروای مطلق قبایل دوره پدر سالاری است تصویر کسی که انسان را به دلخواه خود خلق کرده و هر وقت اراده کند می تواند او را از بین ببرد حتی پیغمبر خود را،

(ولو تقول علينا بعض الاقاویل لاخذ نامنه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین) یعنی اگر محمد بر ما افترا ببندد نیروی او را می گیریم و بند دل او را می بریم . چنین خدایی ، ادم و حوا را بخاطر عصیان و نافرمانی از دستوراتش از بهشت بیرون می راند و گرنه خوردن یک سیب یا (گندم) خود به خود نمی تواند گناه کبیره ای باشد تا بخاطر ان ، چنان عذاب و عقوبت سختی را بتوان برانسان تحمیل کرد. چنین خدایی با اینکه مکر و حيله را کاری باطل و ناپسند می داند، اما

خود تاکید می کند که مکارترین مکاران است. در اسلام همانگونه که از نام آن پیداست اطاعت و تسلیم ، تقوا و فضیلت واقعی است و عصیان و نافرمانی گناه کبیره می باشد و در این دین، عنصر اساسی ، اسارت انسان در برابر یک قدرت خارجی بنام خدا و انقیاد انسان در مقابل یک استبداد بیرونی است . نظام اسلامی ، اساساً یک نظام خدا سالار است و انسان ، در تحلیل نهایی ، نقش بنده و عبدالله را دارد. در این نظام هدایت و سعادت بشر ، تنها به خواست و مشیت خدا بستگی دارد. بنظر قرآن زندگانی نیک ، همان زندگانی توأم با فضیلت و تقوی است و فضیلت و تقوی نیز یعنی ترس و تسلیم محض و اطاعت برده وار در برابر اراده خدا است.

زبان قرآن

در واقع زبان قرآن ، زبان تهدید انسان است ، و انسان را دچار ترس و وحشت می کند اما ما امروز دیگر از این داستانها نمی ترسیم ولی می توان فهمید که مومنین نخستین چه میزان وحشت داشتند از این زبان ، زبان مهر و محبت نیست زبان تهدید است یعنی تا اونجایی که می فرماید هر که با ما مخالفت کند منافق

است . منافق یعنی کسی که به زبان می گوید من دوست شما هستم در باطن نیست ولی این دشمنی خیلی عظیمی نیست که در واقع حکمش این باشد که دست چپش را با پای راستش قطع کنند ، دست راستش را با پای چپش .

مشهور است که حبصه دختر عمر وزن پیغمبر بوده اینها رو جمع اوری کرده و وقتی پیغمبر فوت کرده هر کسی قرآن خودش داشته بعضی ها از حفظ داشتند . در زمان ابوبکر همان قرانی که پیش حبصه بوده استفاده می شده تا روزگار عثمان ، او شهود را صدا می زد و می گوید تودیدی رسول چی گفت می گفتند بله و بعد هم شاهد می آوردند و اصلاً معلوم نیست قرآن چه پایه و اصلتی دارد.

قرآن از بس ملال انگیز و پریشیده است که هر که یک صفحه را می خواند فرار می کند . عثمان دستور داد هر جا قرآن دیدید بیارید و آتش بنزید قرانی که در دست است امروز با بقره شروع شده، اساساً یک پنجم قرآن معنی ندارد و همین که می گویند ترجمه نکنید قرآن رابه زبان دیگر چون یک پنجم قرآن به زبان عربی هم معنی ندارد. قرآن یک تکه التقاطیست از مطالب معروف روزگار

عرب که نویسنده آنها رو جمع کرده و بخشی از آن راجع است به روزگار صدسال یا صدو پنجاه سال پیش از اسلام .

تناقضات در قرآن و اشتباهات

سوالات و انتقاداتی که هر مسلمانی باید با منطق خود به آن جواب دهد.

ایا الله خودش قادر است بشر را در زمین نابود کند و یا از مرگ نجات دهد؟ قرآن می گوید البته

ایا الله زنده می کند مرده را؟ قرآن می گوید البته ، الله بر هر چیزی تواناست. سوال اینجاست چرا این همه مسلمان و مومن در جنگ ها و یا زلزله کشته شدند و الله نتوانست کاری بکند . الله که خود می تواند قتل کند چرا مسلمانان باید جان دهند؟

حریص بودن بشر ایراد است در افرینش یا ایراد است از انسانها؟ قرآن می گوید الله انسان را بسیار حریص افرید قرآن می گوید الله زمین را مثل فرش پهن کرده است و آن را معجزه می داند . قرآن می گوید هر پیامبری که آمده باعث جنگ و آدم کشی شده است ایا کتاب قرآن و بنابراین اسلام آمده برای ترس ، ترور و اعمال زور ؟ قرآن می گوید بله

قران می فرماید مردان بر زنان فرمانروایند و اجازه دارند زنان خود را بزنند. قران می گوید الله بخشنده و مهربان است و سخت عقوبت می دهد و شکنجه گر و همچنین می گوید الله فقط با محمد و مسلمانان مهربان است و ظالم و متنفر است با کفار و مشرکان و غیره و باید از الله ترسید ، الله دستور می دهد دست و پای مسلمانان دزد را قطع کنند. قران می گوید شکل انسان را الله در رحم مادر نقاشی می کند بنابراین اگر نوزاد ناقص العضو باشد الله در رحم خوب نقاشی نکشیده است . قران می گوید بهشت جایی است که در آن نهر، انگور، خرما، میوه ، خمر ، شراب ، زنان زیبا رو ، زیور و طلا و مروارید..... فراوان است.

سوال اینجاست چرا شراب در بهشت حلال است زرو زیور و طلا در بهشت به چه درد می خورد؟

ایا الله همه بشر را هدایت می کند قران می گوید همه را نه ، هر که را بخواهد گمراه می گذارد سوال اینجاست چرا الله مسلمانان را به تشویق به کارزار و جنگ و قتل

زن از دیدگاه اسلام

حقوق و جایگاه اجتماعی زن در نظام اسلامی ، جلوه دیگری از تبعیض نژادی ، جنسی و طبقاتی در اسلام

است. نظر قران و حضرت محمد و حضرت علی عموماً درباره زن منفی است . از نظر قران زنان کشتزار مردان اند و مرد بعنوان مالک ملک حق هر گونه تصرفی و تسلطی بر زن دارد. تبعیض و برتری از نظر قران امری خدایی است . در این دیدگاه کتک زدن و تنبیه کردن بوسیله مردان حق طبیعی و مسلم است همچنین زناشویی با کنیزان مومن بر زناشویی با کنیزان مشرک برتری و ارجحیت دارد حضرت محمد در خطبه وداع از زنان بعنوان اسیرهایی یاد می کند که در اسارت مردان هیچگونه اراده و اختیاری از خود ندارد. قوانین اسلامی نیز در تمام موارد (از جمله وراثت ، قضاوت ، ازدواج، طلاق و غیره) عدم تساوی زن و مرد را تأیید و تصدیق می کند در حقیقت برتری مرد ، در کلیه شئون خانوادگی و اجتماعی از اصول اساسی حقوق اسلامی است . در حالیکه قران (سوره نساء ایه ۳) حداکثر داشتن چهار زن را به مسلمانان اجازه داده است با این حال حضرت محمد ﷺ زن را باهم داشته است.

بنابراین انکس که عقل را پایه بررسی ها و داوری های خود قرار می دهد وانکس که با تکیه بر ایمان، هر گونه شک و تردید در روایت موجود دینی

را گناه کبیره می داند ، منطقاً به نتیجه گیری های متفاوت و غالباً متضاد خواهند رسید .

بیمرز سازمانی ماکزیمالیستی

ورادیکال است. خود را متعلق

به صف سوسیالیسم، مدافع

حقوق برابر انسانها میداند، که

دفاع از پناهندگان ایرانی

راموضوع بلاواسطه فعالیت

خود قرار داده است.

همانطور که از نامش

برمیآید، سازمان بیمرز در این

حال برای گسترش دامنه

فعالیتهايش مرزی نمی

شناسد و تلاش میکند که آن

رابه همه کشورها و دفاع

از همه پناهندگان گسترش

دهد.



کرونا و جمهوری اسلامی ایران

ریبین شمعی



کرونا، COVID-19 نوعی بیماری عفونی است که اخیراً ظاهر شده است. این ویروس جدید در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین شناخته شد، علائم آن هم تب، سرفه، آبریزش بینی و گلو درد هست، که متأسفانه تاکنون درمان قطعی برای آن پیدا و کشف نشده است.

بعد از چین به کره جنوبی، تایلند، مالزی و چند کشور همسایه چین رسید و کم کم کشورهای اروپایی و امریکا، اقیانوسیه و تمام جهان را در بر گرفت، وضعیت جهان اضطراری شد و اکثر کشورهای جهان پروازهای خود را به چین نگه داشتند، اما در این میان این وضعیت به رژیم جمهوری اسلامی خوش آمد و مثل همیشه از فرصت استفاده کرد. در حالی که تمام دنیا سفر و پرواز و واردات کالا را از چین متوقف کرده بودند، شرکت هواپیمایی ماهان متعلق به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، پروازهای خود را نه تنها متوقف نکرد، بلکه بیشترم کرد و تمام

پروازهای مسافری و باری چین به اقصی نقاط جهان و بخصوص ایران را انجام داد و میخواست با این کار درآمدزایی داشته باشد و قدمی برای گسترش هرچه بیشتر تروریسم شود و موجب آوردن این ویروس به داخل ایران و دوباره جنایت شد.

در همان روزهای اول کرونا وارد ایران شده بود، ولی دولت و مخصوصاً صدا و سیما وابسته به رژیم در حال انکار این موضوع بودند. به دو دلیل: چون هم راهپیمایی ۲۲ بهمن نزدیک بود و هم انتخابات مجلس. هدف این بود که تا اتمام این روزهای مهم حرفی از کرونا در کشور زده نشود که نکند باعث ایجاد ترس در میان مردم شود و در انتخابات و راهپیمایی شرکت نکنند.

بعد از انتخابات مجلس، کم کم رژیم وجود کرونا را در کشور اعلام می کرد اما با آمار غلط و اشتباه!!!!

هر روز آمار بالا می رفت، امروز بیشتر از دیروز و این معادله هر روز بیشتر

میشد، هرچند آمار صدا و سیما رژیم با آمار واقعی خیلی فرق دارد. در این میان سپاه مثل همیشه روی صحنه آمد و با احتکار و انبار کردن، ماسک و مایع ضد عفونی و دستکش و... دوباره گران فروشی را به بازار انداخت و بازهم پول دزدی برای جیش. در ادامه کمک های بین المللی و جهانی برای ایران ارسال شد ولی بازم سپاه در این کار هم دست داشت و تمام وسایل کمکی که باید رایگان به مردم داده میشد را با پول زیاد به مردم میفروخت. و اما کردستان و مناطق کردنشین (روژهلات)، هرچند رژیم و سپاه جمهوری اسلامی که از اولین روزهای انقلاب علاقه ای به مردم کردستان و منطقه کرد نشین نداشته اند بلکه همیشه سعی در قتل و جنایت مردم هم داشته اند. در این روزها هم که رژیم اهمیتی به این مناطق نداده، ولی مثل همیشه مردم کردستان (روژهلات) و بخصوص جوانان باغیرت خودشان دست به کار شده اند و با پخش رایگان



زنان در آبان ۹۸

آزاده بارزاده آقاجاری



ماسک و دستکش و مایع ضد عفونیکننده و ... در شهر و ضد عفونی کردن شهر تا حدودی جلوی این ویروس را گرفته اند. اکنون وضعیت اکثر شهرهای منطقه به دست مردم و جوانان است و حالا که رژیم از این موضوع خبر دار شده و از ترس اینکه مردم این مناطق کنترل بیشتر پیدا نکنند وارد عمل شده و میخواهد وارد شهرهای کردستان بشود و مردمی که در بیرون و بازار هستند را توجیه کنند که خود را در خانه قرنطینه کنند و به جورایی در این میان خود را ناجی مردم و قهرمان سازی کند ولی دیگر دست این رژیم و سپاه تروریست برای همه رو شده است.

و در آخر ویروس کرونا COVID-19 درمانی برایش کشف و ساخته میشود، اما کرونای اصلی رژیم جمهوری اسلامی است که ۴۱ سال است مردم ایران را گروگان گرفته و به قتل میرساند.

در گرماگرم قطعی اینترنت پس از شروع اعتراضات آبان ماه ۹۸ تصویری از سپیده قلیان، روی زمین نشسته است و پلاکاردی را به دستش گرفته است که روی آن نوشته شده: «قیمت بنزین را ۳۰۰ درصد گران کردید؛ دستمزد ها را هم زیاد کردید؟» جمعیتی اطرافش غالباً تشکیل شده از مردان جوان او را تشویق می کنند. او به یکباره می ایستد و پلاکاردش را بالا می گیرد. صدای تشویق جمعیت بالا می رود. سپیده فریاد می زند و صدای او در همه صدای «سپیده سپیده» کردن جمع گم می شود.

صدای سپیده بالاتر می رود: «نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد!» جمعیت همراه او فریاد می زند و کادر بسته می شود. این تصویر مقاوم، زنی است که به تازگی از زندان خارج شده بود. زنی که شاید بارها در کوچه های همان شهر از مردان همان شهر متلک جنسی شنیده باشد، هزار بار با عنوان «صغیره» تحقیر شده باشد، حالا صدای رسایش در عرض چندین ساعت مرزهای قطع اینترنت کشور را در می نوردد و به ما می رسد. تصویر میخکوب کننده است و اتفاقی را بازنمایی می کند. اگر این تصویر رقص و مبارزه طبقه فرودست در خیابان هایی از کشور باشد که هیچ توریستی به آن پا نمی گذارد و هیچ فیلم سینمایی در آن ساخته نمی شود؛ پس چرا تصویر غالب از طبقه کارگر در گفتمان غالب چهره های مردانه، بی انطعاف و سخت است؟

سپیده قلیان، نام و چهره ای که در ۲۳ سالگی با مترقی ترین اعتراضات کارگری سال های اخیر، احکام طولانی مدت برای فعالین کارگری، اعترافات اجباری، مستندسازی های جمهوری اسلامی در مورد مخالفانش و شکنجه جنسی و حمله های زن ستیز توییتری پیوند

خورده است؛ زنی ۲۴ ساله است که در آبان ماه سال پیش در گرماگرم اعتراضاتی کارگری به همراه کارگران و اعتصابیون هفت تپه دستگیر دستگیر شده بود. چنین زنی چرا باید شکنجه بشود، اعترافات اجباری کند، حکم ۱۸ ساله بگیرد و همزمان با هجمه ای از اتهامات مبنی بر امنیتی بودن، مزاحم بودن، دست نشانده بودن و «ناسالم بودن» مواجه بشود؟

چه چیزی در مقاومت یک زن جوان ۲۴ ساله وجود دارد که باعث شکل گرفتن انگ‌هایی می‌شود که به سپیده قلیان زده شد؟

پاسخ را در این می‌توان خلاصه کرد: زن «نامتعارف» بودن.

او تنها زن نیست، بلکه زنی جوان، دانشجو، هنجارشکن، خواهان اعتلای طبقه محروم و کارگر و در پیوندی بی‌واسطه با آنان است. با تمام اینها چهره او برای ما آشناست، خنده‌هایش، صدایش، سادگی و بی‌آلایشی حرف‌هایش، او را به قدر ساده‌ترین و مهربان‌ترین زنان محروم آن خطه برای ما ملموس می‌کنند. وقتی برای ما از زندان‌ها پیام صوتی می‌فرستد: «صدای مرا از بین ۱۵۰۰ زندانی زن بیگانه قرچک ورامین می‌شنوید... پس از ۱۶ ساعت

بازجویی بازجو به من گفت «حالا پای زنان را به تجمعات باز می‌کنید؛ حالا از دیوار فرمانداری بالا می‌روید؟» همکاری نکردم، واقعیت را بازگو کردم. «سپیده قلیان در این اصوات ملموس و انسانی به ما یادآوری می‌کند که پشت درهای زندان‌های زنان با ما و رو به ما حرف می‌زند و ما را دعوت به هم‌اندیشی می‌کند: «به من بگوئید از خبرگزاری فارس از قوه قضاییه چگونه شکایت کنم؟» در این معنا او تنها نماینده و یا بازنمایی کننده یک مطالبه یا یک جنبش در بستر مبارزات مردمی بر علیه جمهوری اسلامی نیست. بلکه او به مطالبات و هویت‌های مختلف تحت ستم در اینجا یک زن، یک زندانی سیاسی، یک فعال کارگری و یک دانشجوی یک «پیکر قابل دسترس» می‌بخشد. پیکری که تنها نقشش بازنمایی هویتی اقصای متفاوت تحت ستم نیست، بلکه با حضور اجراگرایانه و موثرش در میان کارگران و مردم خبر از اتفاقی می‌دهد که زمینه‌هایش پیش از آن در بستر مبارزات کارگری و مردمی آماده شده بودند. او پیام آور است: «نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد. «او فعال، مقاوم و در معنایی قابل تکثیر «نامتعارف» است. نامتعارف از این جهت که می‌تواند در

بازنمایی خود و نمایندگی قشر‌های متفاوت تصویر تبلیغ شده از «زن خوب» ساختار از بیخ و بن مردسالار جمهوری اسلامی را در هم بشکند. قابل تکثیر از آن جهت که می‌تواند تنها در چشم به‌هم‌زدنی آن چه را که جامعه تحول‌خواه به عنوان آرمان طرح می‌کند؛ تبدیل به حقیقتی می‌کند که در لحظه اتفاق می‌افتد و غیرقابل انکار می‌شود. در نتیجه او می‌تواند نقشی فراتر از بازنمایی و نمایندگی اجراگرایانه چند جنبش و مطالبه را داشته باشد. او می‌تواند جامعه را در حال باروری نوعی از زنان فعال بازنمایی کند که حلقه اتصال جنبش‌های اجتماعی و کارگری هستند. زنانی که حالا با حضور خود فریاد می‌زنند که ان تصویر و چهره مردانه از طبقه کارگر که به چیزی بیش از رفع حاجات فکر نمی‌کند، یک جعل بزرگ در خدمت دستگاه سرکوب است. او یادآوری می‌کند که نمی‌توان نان را منهای مساله زن و منهای رهایی خواست. حضور او به ما یادآوری می‌کند که همان دستگاهی که مسئول منحل شدن نهادها و تشکل‌های مستقل کارگری، فساد سیستماتیک و فقر گسترده است، همان دستگاهی‌ست که حتی در مدارس و کارخانه‌ها تا جای ممکن

جداسازی جنسیتی را پیش برده است. پس بر طرف شدن مساله جداسازی جنسیتی در خدمت آزادی حرکت هر چه بیشتر این زنان میان طبقه محروم و برآورده شدن نیازهای رفاهی متضمن بسیاری از دغدغه‌های زنان طبقه فرودست - یعنی اکثریت جامعه زنان - است.

پیکر سپیده در این بستر تداعی کننده راهی است که پیش از آن نیز زنان در آن گام‌های استواری برداشته بودند، از جمله همان زمان که اولین ویدئو از زن چهره پوشیده «هفت تپه» که برای کارگران هفت تپه سخنرانی می‌کرد به ما مخابره شد که می‌گفت: «ما پنج زن بودیم دیروز، با بستن جاده توانستیم انقلابی کنیم که صدایش تا به استانداری برسد.»

سپیده قلیان، پس از آزادی اش در جریانات دستگیری‌های هفت تپه، با انتشار متونی در شبکه‌های اجتماعی خود، پرده از اعترافات اجباری به واسطه شکنجه و اتهامات جنسی برداشت. این حرکت او در امتداد دادخواهی اسماعیل بخشی، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های کارگران معترض هفت تپه، به او و اسماعیل بخشی نقشی فراتر از آن داد که پیش از این در آن قرار داشتند. اسماعیل

بخشی توانست با بحث دادخواهی در مورد شکنجه و اعترافات اجباری، به عنوان یکی از نمایندگان بحث شوراها و اداره کارخانه به دست کارگران، بحث کارگری را به فضای سرکوب سیاسی همه اقشار مخالف جمهوری اسلامی پیوند بزند. سپیده قلیان در افشاگری خود در رابطه با مساله شکنجه‌ها و اعترافات اجباری از این مساله نیز فراتر می‌رود و تبدیل به صدای بخشی از زنان می‌شود که هم مساله اتهام و آزار جنسی را مطرح می‌کنند و هم از محرومیت‌های خاص طبقات فرودست می‌گویند. به این معنا او فریاد می‌زند: «آن سیمای حذف شده و جداسازی شده از طبقه محروم اقتصادی که همزمان از جنسیت زدگی و سرکوب ساختاری و اجتماعی زنان رنج می‌برد نیز من هستم.»

به اعتراضات آبان ماه ۹۸ و تصویر سپیده در چهره‌ی آمنه‌ها و آتناها بازگردیم. سپیده قلیان پیش از دستگیری دوباره‌اش در شبه شب پس از اعتراضات، از این می‌گوید که نه تهدید و نه زندان دیگر اثر ندارد. او می‌داند که به احتمال زیاد دوباره دستگیر خواهد شد و پاسخش را به این دستگیری و فشارهای بیشتر در

زندان پیش از آن در میان مردم، در یکی از پرشورترین، بزرگ‌ترین و خونین‌ترین اعتراضات سیاسی کنار مردم ایستاده است.

یکی از دلایلی که مقام‌ها و رسانه‌های حکومتی، بر رهبری و هدایت اعتراض‌های اخیر از سوی زنان تاکید کرده‌اند، ناشی از نوع نگاه تحقیرآمیزی است که نسبت به زنان دارند و آن‌ها را «احساساتی» و «بدون عاملیت» می‌دانند. در واقع اگرچه اذعان به نقش زنان در این اعتراض‌ها ناشی از حضور پررنگی است که قابل انکار و چشم‌پوشی نیست اما به نظر می‌رسد که مقام‌ها و رسانه‌های حکومتی می‌خواهند با تاکید بر نقش زنان در هدایت اعتراض‌ها، این مساله را القا کنند که رهبران این حرکت گول خورده‌اند، چون به اعتقاد آنها «زن‌ها بیشتر و آسان‌تر فریب می‌خورند.»

تصویری که از راه دور و در عکس‌ها و ویدیوهای ارسالی از این اعتراض‌های خیابانی می‌شود دید این است که دست کم به نسبت اعتراض‌های سال ۱۳۹۶ زنان حضور پررنگ‌تری دارند و صدای آنها را در شعارهای خیابانی می‌توان به وضوح شنید. این حضور پررنگ در ادامه حرکت‌هایی است که

در دو سال گذشته شاهد آن بوده‌ایم: از برگزاری دوباره تجمع ۸ مارس در خیابان آزادی گرفته، تا تکرار تصویر زنان معترض در اعتراض‌های کارگری و دانشجویی و زنانی که در سال‌های اخیر در خیابان و به صورت علنی به حجاب اجباری اعتراض کردند.

اگرچه ممکن است زنانی که در آبان ماه به خیابان آمدند همان‌هایی نباشند که به نقض حقوق زنان و کارگران و دانشجویان نیز اعتراض داشتند اما به نظرم دیده شدن و گزارش حضور و اعتراض زنان در خیابان، به زنان دیگر نیز جرات اعتراض می‌دهد و کلیشه مردانه بودن حضور خیابانی را خدشه‌دار می‌کند. در این که زنان ایرانی، امروز با عنوان تصمیم‌گیر یا تابع و همراه در گستره اعتراض، مبارزه و مخالفت سیاسی، حضور پررنگ و غالبی داشته‌اند، کم‌ترین تردیدی وجود ندارد و تنها کمی کنکاش در دنیای رسانه و وقایع این روزهای ایران، موبد این حقیقت روشن خواهد بود. در ویدئوهایی که از این اعتراضات بیرون آمده است، بیش از همه صدای شجاعت و تهور و حضور زنانه به چشم می‌آید و جمهوری اسلامی هیچ بهانه‌ای برای انکار این واقعیت نمی‌تواند فراهم کند. اما این که چرا

خلاف تصمیمات سیاسی همیشگی، این بار بر این واقع صحنه می‌گذارد، به گمان من، حاوی یک توهین و تحقیر پنهان جنسیتی است.

بنا به آنچه از دیدگاه مذهبی، سنتی و قانونی جمهوری اسلامی برمی‌آید، زنان موجوداتی تاثیرپذیر و فاقد استقلال اندیشه هستند و بنا به چنین تعریفی، می‌خواهد القا کند که زنان پیشرو یا پیرو در این اعتراضات و مبارزات، بنا به همان نقص عقلانی جنسیتی، از دشمنان فرضی و غیرفرضی جمهوری اسلامی تاثیر می‌گیرند و بسیاری از آنان، فریب‌خوردگانی هستند که از سوی همین دشمنان، تشویق و تحسین و البته ارتزاق می‌شوند. در راس همه آن زنان هم لابد از افرادی چون مسیح علی‌نژاد یا شیرین عبادی مثال خواهند آورد. بی‌شک، قصد جمهوری اسلامی ایران، بازتعریف قدرت سیاسی برای زنان نبوده است و با این نگاه، زنان را چه در عرصه راهبری و چه در عرصه پیروی از اعتراضات و مبارزات، موجوداتی ضعیف‌النفس و تاثیرپذیر معرفی می‌کند که نیاز به مراقبت بیشتر دارند تا دچار فریب و خدعه دشمنان نشوند. به همین سبب، تاکید بر کنترل بیشتر روی زنان در دستور

کار قرار خواهد گرفت زیرا بنا به نگاه کنترلگر حاکمان فعلی ایران، این زنان مصلحت خویش را نمی‌شناسند و با تاثیرپذیری منفی از دشمنان، می‌توانند مصلحت دیگر زنان ایرانی را نیز دچار مخاطره کنند.

دلیل دیگری که حکومت بر نقش رهبری زنان تاکید می‌کند، یکی این است که حکومت می‌خواهد مردان و آن فرهنگ سنتی را که بر اساس آن عادت دارند زنان را فرودست ببینند، از این حرکت‌ها و خیزش‌ها بترسانند و بگویند ببینید این جنبش‌ها را زنان «فرودست» رهبری می‌کنند: پس شما نگران شوید.

دوم اینکه به زعم خودش می‌خواهد این اعتراضات را بی‌اعتبار جلوه دهد، چون فکر می‌کند جامعه همسو با تفکر سنتی نمایندگان حکومت که اگر رهبری حرکتی را زنان به عهده داشته باشند، آن حرکت را ناچیز می‌شمارد، از همراهی با چنین حرکتی سرباز خواهد زد.

نکته سوم هشدار دهنده است. حکومت از یک طرف نقش رهبری زنان را پررنگ می‌کند و در کنارش از گروه‌هایی مانند مجاهدین و بهاییان هم اسم می‌آورد. این به نوعی اعلام جرم محسوب می‌شود؛ یعنی ممکن

است چنین در حوزه نقش دارند
 اشاره‌هایی مسایل و همراهی
 فقط یک زن باشد و زن و
 خبر نباشد، محرزتر مردان شانه
 بلکه شده و تنها به شانه و
 مقدمه ای در حوزه در کنار هم
 باشند برای رنـان دیـده
 توجیه نیست. می شود. هم
 سرکوبی حضور زنان چنین
 که در اکنون نقش اطلاع
 پیش است، پیوند رسانی زنان
 یعنی می خورد به از طریق
 تنگ تر حوزه ای فیلم ها و
 کردن فضا اجتماعی عکس
 برای زنان و سیاسی هایی که
 احتمالا فراتر و می گیرند
 حکم های بزرگ تر از نیز دنبال
 سنگینی حوزه زنان. می شود که
 که قرار می بینیم حرکتی
 است به در چند شجاعانه
 زنان سال اخیر است از آن
 بازداشت زنان در رو که برای
 شده اعتراضات این کار
 بدهند. هر بار باید در
 این در بیشتر از صحنه
 حالی ست قبل در حضور
 که فعالیت تولید داشته
 زنان از آگاهی و باشند.
 آنکه فقط رهبری روش آنها

مویه بر سوریه

فاخته‌های سوری بالای سرم نوحه می‌کنند
 و آواشان توی چشم‌هایم گریه می‌شوند.
 دارم تلاش می‌کنم نقشه کشوری را بکشم
 که در شعرم متجلی خواهد شد،
 و وقتی به آن فکر می‌کنم از ذهنم فرار نکند،
 جایی که سربازان روی صورتم رژه نروند.
 دارم تلاش می‌کنم نقشه کشوری را بکشم
 کشوری که در شعرم گوهر گرانبهایی خواهد
 بود
 تا اشک‌هایم را جاری کند.

دارم تلاش می‌کنم نقشه شهری را بکشم
 شهری از عشق، صلح، همدلی و خوبی
 رها از آشفتگی، جنگ، ویرانی و فلاکت

آه سوریه، عشق من
 ناله تو را می‌شنوم

در زاری‌های قمری‌های شهر.
 فریاد تو را می‌شنوم.

زمین تو را و خاک بخشنده‌ات را ترک می‌کنم
 رایحه خوش یاسمن‌هایت را،

سوریه! بال‌های من هم مثل بال‌های تو
 شکسته است.

اهل سوریه‌ام

سرزمینی که مردمش نان را قسمت می‌کنند
 و روی آن پا نمی‌گذارند

اهل جایی که مادرانش به بچه‌هاشان یاد
 می‌دهند تا پایان روز روی مورچه‌ها پا نگذارد
 جایی که نوجوان‌هاش برای احترام به برادران
 بزرگ‌تر، سیگارشان را پنهان می‌کنند
 اهل جایی که زنان پیرش سپیده‌دمان به
 یاسمن‌ها آب می‌دهند
 جایی که همسایگان صبح‌ها قهوه می‌نوشند
 آنجا عمه‌ها و خاله‌ها همچنان که آرزو
 می‌کنی هستند، عموها و دایی‌ها آن طور که
 دوست داری و خواهران...
 اهل جایی هستم که دارد تاب می‌آورد و
 منتظر است،
 منتظر آرامش.

*

سوریه.

من دیگر برای کسی شعر نخواهم نوشت.

*

کسی می‌تواند به من بگوید

چطور می‌توان یک وطن ساخت؟

واقعا اگر بتوانید قدرتان‌تان خواهم بود

از ته قلب

جایی که موطن پرستوهاست

و درخت‌های سیب سوری.

امینه ابو کرچ شاعر ۱۳ ساله سوری

فرازی از اساسنامه سازمان پناهندگان بیمرز

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - "بیمرز"، سازمانی غیر دولتی و مردمی مدافع حقوق پناهندگی است. ما معتقدیم عامل آوارگی؛ فرار و مهاجرت میلیونی مردم حکومت‌های و دولتهایی است که امکان زندگی امن، محترمانه؛ سالم، مرفه، صلح آمیز، برابر و آزاد را از شهروندان خود سلب می کنند. تنها یک جهان بیمرز که همه شهروندان را برابر و آزاد در خود جا میدهند، میتواند برای همیشه به پناهندگی، فرار، آوارگی، و مهاجرت اجباری پایان دهد. "ما معتقدیم که "وطن" هر کس جایی است که در آن کار یا زندگی میکند". ما معتقدیم که حقوق انسان جهانشمول است و مشروط و مقید به مرز و جغرافیا و جنسیت و فرهنگ و مذهب و ملیت و طبقه و سن نیست. افکار و عقاید و جنبش‌هایی که حقوق انسان را متناسب با این عوامل مقید و مشروط میکنند، همچون راسیسم و تئوری نسبیت فرهنگی، افکار و جنبش‌هایی ارتجاعی علیه جهانشمول بودن حقوق انسان اند.

"بیمرز" سازمانی ماکزیمالیست و رادیکال است، خود را متعلق به صف سوسیالیسم مدافع حقوق برابر انسانها میداند، که دفاع از پناهندگان ایرانی را موضوع بلاواسطه فعالیت خود قرار داده است. "بیمرز" در عین حال برای گسترش دامنه فعالیت‌هایش مرزی نمی شناسد و تلاش میکند که آن را به همه کشورها و دفاع از همه پناهندگان گسترش دهد.

اهداف سازمان پناهندگان بیمرز:

دفاعی قید و شرط از حقوق انسانی و پناهندگی مستقل از عقاید سیاسی، نژاد، جنسیت، مذهب، ملیت، گرایش جنسی، سن و غیره.

افشای جمهوری اسلامی ایران بعنوان عامل فرار میلیونی مردم.

مبارزه با هر نوع موارد نقص حقوق پایه ای انسان در ایران.

نقد تصویر منفی، مذهبی، ناسیونالیستی و عقب مانده از پناهنده ایرانی و تبلیغ خصوصیات مدرن، مترقی و پیشرو از فراریان از ایران.

مبارزه با تبلیغات راسیستی مبنی بر جدایی مردم، نقد به حاشیه و انزوا کشاندن پناهندگان و خارجیان " تبعیض

نژادی " تبلیغ همسرنوشتی بین پناهندگان با سایر اقشار و طبقات محروم جامعه، و قرار دادن نیروی اعتراض

پناهندگان در کنار اعتراض مترقی و رادیکال در کشورهای محل اقامت.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد
Iranska Flyktingars Riksorganisation - Sveriges sektion



ما از تمامی پناهندگان مخالف جمهوری اسلامی دعوت مینماییم که به سازمان پناهندگان بیمرز به پیوندند.

سازمان پناهندگان ایرانی بیمرز؛ سازمانی غیر دولتی و مردمی مدافع حقوق پناهندگانی است. ما معتقدیم عامل آوارگی، فرار و مهاجرت میلیونی مردم حکومتها و دولتهایی هستند که امکان زندگی امن، محترمانه، سالم، مرفه، صلح آمیز، برابر و آزاد را از شهروندان خود سلب نموده اند.

تنهایک جهان بیمرز که همه شهروندان را برابر و آزاد در خود جا دهد، میتواند برای همیشه به پناهندگی، فرار، آوارگی و مهاجرت اجباری پایان دهد.

مسئولیت مستقیم مقالات منتشر شده با نویسنده مقاله

هست و سازمان بیمرز در این مورد مسئولیتی ندارد

مقالات خود را به آدرس ایمیل زیر بفرستید :

voryaroushanfekr@gmail.com

تماس با واحدهای سازمان بیمرز

دبیر سراسری سازمان بیمرز

سعید آرمان

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷

Adress: IOIR, BM BOX 2592,
London, WCIN 3XX, UK.

E-mail: saeed_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر واحد سراسری سوئد بیمرز

محمود محمد زاده

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۸۷۲۶

دبیر واحد استکهلم سازمان بیمرز

وریا روشنفکر

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۶۴۱۴۴۹۴۶

دبیر واحد گوتنبرگ

ابوبکر شریف زاده

تلفن: ۰۰۴۶۷۲۲۹۱۸۰۷۰

ادمین سایت سازمان بیمرز

@Pordel_zare

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۷۲۴۹۲۳۱